اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت چهل و دوم)

زلزله

هیچکس جز خدا از آینده خبر ندارد و هیچ راه حل کوتاهی برای جلوگیری و کنترل زلزله وجود ندارد. اگر هر چیزی یا هر کسی را در زندگی خود مهمتر از خدای عالمیان قرار دهید، مثل مُلک و املاکتان؛ در آنصورت اشتباهی واقعی مرتکب شده اید. زیرا تمام اینها به زمین تعلق دارد و ما فقط موقتی روی آن ساکن هستیم. نفس واقعی ما در بهشت، گرفتار شیطان شد و باعث شد که از آنجا رانده شویم و به زمین منتقل شویم. مشکل ما این بود که متوجه موضوع نبودیم. بین انتخاب خدا و شیطان؛ خدا ما را مختار گذاشت ولی نفسهای مغرور و جاهل، خواستند شاهد نمایش مغرورانه شیطان باشند. شیطان پیشنهادات دیگری برای عرضه داشت. شیطان میگفت شما را به مرحله جاودانگی

و ملائکه راهنمایی میکنم. نفسهای آن موقع خواستند که این موضوع شیطان را آزمایش کنند. آنها گفتند که شاید شیطان راست بگوید و با انجام مراحل پیشنهادی شیطان، به جاودانگی و قدرتهای خدایی برسند. اما موجودیت بنی آدم، دوست داشت که ریسک کند و پادشاهی شیطان را ببیند. خدا مهربانتر از هر کسی است، او به زور مخلوقات را به طرف خود متمایل نمی سازد؛ او به انسان این فرصت را داد تا بین خدا و شیطان، انتخابش را انجام دهد.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾

ما امانت [نمایشهای شیطان] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناك شدند و[لی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود (٧٢)

با کمال تعجب هنوز هم تعداد زیادی از انسانها دنبال جاودانگی و ملائکه شدن هستند! این همان استراتژی شیطان است. آنها در به در دنبال جاودانگی هستند. آنها میخواهند قدرتهای خدایی پیدا کنند و یا دنبال ملائکه شدن هستند.

ما در طول زندگی خود در زمین، بارها شاهد تاریکی و نور خواهیم بود و براحتی میتوان تشخیص داد که شیطان دروغگو ترین است و تمام

حرفهایش براساس دروغ و به ضرر انسان است. چیزهای متضادی که در این کره خاکی پیش میاید، بخاطر این است که ما را در شناسایی این موضع کمک کند.

انسان در این جا جز حیرانی و سرگشتگی چیزی برایش نمانده است. کسانی که نمایشهای شیطان را جدی گرفته اند، به طور جدی باور کرده اند که حق با شیطان است. آنان حرفهایشان را از طرق مختلف و اشعار بیان میدارند. بطور مثال متن یکی از آهنگها که یک خواننده به آواز خوانده است.

هزار سال است که به گوش بشر
میخوانند جهان کارگاه خداست
یکی میگه شیطان فریبت میده
یکی میگه دوزخ پر از اژدهاست
میگن که خدا مهربان است ولی
هزار سال است از بهشت رانده ایم
یکی دیگه یک سیب چید از درخت
مباید که تاوان شه پس بدیم
درین اعتقادی که حتی خدا
گهی دشمن بنده هایش میشه
مجازات یک تار موی زنان
سگ چهار چشم جهنم میشه

نمازی که با حرص جوی بهشت
بخوانین که دکان مکاره هاست
بهشت پر از حوری لخت و اور
بهشت نیست بازار زن باره هاست

همانطور که می بینید، شاعر در این شعر، فرضیات غلطی را در مورد خدا مطرح میکند و بر این اساس قضاوت میکند. در این فرضیات غلط، خواننده فکر میکند که حق با شیطان است. حیله ای که شیطان بین مردم از طریق اشعار، شایع کرده است، باعث شک و گمان بد نسبت به خدا میشود. بعضی شعراء مثل مولوی می گوید:

شمس من و خدای من

نکته ای که در این اشعار مخفی است ؛ این است که خود انسان خداست و خبر ندارد! در زمانه ما هم اینجور تفکرات به صورتهای دیگری وجود دارد. مدتی پیش تعدادی از دانشمندان روی این مورد مطالعه می کردند که کره زمین چطوری از خطرات محافظت می شود. زمین همواره توسط آتشفشان ها، زلزله ها، سیل، خشکسالی و تغییرات آب و هوایی مورد آسیب قرار می گیرد ولی هر چند مدت یکبار این آسیب ها نرمال می شوند و وضعیت زمین دوباره برای سکونت بشر هموار می شود در حالیکه اگر این آسیب ها همواره ادامه پیدا کند وزمین ترمیم نشود، زمین برای سکونت دیگر مناسب نخواهد بود؛ به همین دلیل

دانشمندان به این نتیجه رسیدند که زمین دارای خاصیتی است به نام خود ترمیمی به این صورت که هر از چند مدت گاهی زمین خودش را ترمیم می کند و دوباره مناسب زندگی می شود. این دانشمندان به این نتیجه رسیدند که زمین خودش، خودش را ترمیم میکند و یک نوع اتوماسیون است. اما بیایید این نظریه را موشکافانه تر و موحدانه بررسی کنیم. موضوع اتوماسیون زمین، از نظر یکتاپرستان و آزادیخواهان جهان اینطور است که خدا زمین را همواره برای زندگی ما آماده می کند و آن را از خطرات حفظ می کند. با یک مثال موضوع را بیشتر بشکافیم. تصور کنید که یک آبگرمکن داریم وقتی دمای آب از ۵۰ درجه پایین بیاید اتوماتیک روشن میشود و دمای آب را دوباره بالا میبرد. از نظر یک فرد عامی این آبگرمکن اتوماتیک است اما از نظر یک فیزیکدان و یا یک مکانیک این آبگرمکن دارای ترموستات است و عملیات عادی خودش را انجام میدهد. اتوماتیک بودن آن برای یک فیزیکدان اصلا مطرح نیست. زیرا فرد عامی از روال کار آن خبر ندارد و طرز کار آن برایش جالب و مجهول است ولی یک مکانیک به روال کار آن آگاه است. قضیه زمین هم همینطوری است. خدا بلایا را از زمین دور می کند، زلزله ها و آتشفشان ها را کنترل میکند، شهاب سنگ ها را از زمین دور می کند. مردم آن را خاصیت خود محافظتی زمین می نامند اما در دید بالاتر این خداست که این کار را می کند و زمین را برای زندگی ما محافظت می کند. مومنان هر کار و هر امری را تحت

امر و فرمان خدا می دانند آنان می دانند که بدون اجازه خدا حتی برگی از درخت نمی افتد این معنای واقعی خدا پرستی است که ما باید نفس و روان خود را با آن هماهنگ کنیم. چه کسی این آبگرمکن را درست کرده است؟ اگر گاز به او نرسد چه میشود؟ اگر مشکل فنی پیدا کند چه کسی حل میکند؟ برای نگهداری زمین همه این مسائل مطرح است. خدا خالق هر چیزی است بشر بر اساس علم ناقص خود در زمان های قدیم، خورشید و ماه و ستاره ها را عامل اتوماسیون می دانستند و به همین دلیل آنان را پرستش می کردند این نوع دید نسبت به خلقت یک نوع دید جاهلی است و صرفاً اتکا به داشته های ناقص علمی است و یک دید جاهلی نامیده می شود. خدا، حافظ و نگهدار هر چیزی است. خدا نگهدارنده هر چیزی است (اللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ). **بشر بالاخره از نظر تئوری در نهایت به خدا خواهد رسید و او را پیدا خواهد کرد. ابراهیم الگوی یکتاپرستان جهان، ابتدا ستارگان و ماه و خورشید را عامل اتوماسیون میدانست؛ ولی نفس پاک او به سمت واقعیت متمایل شد و در نهایت خدا را پیدا کرد.**

دمای هوا در کره ماه شبها به ۱۷۳ درجه زیر صفر میرسد و روزها هم خیلی گرم میشود و تا ۱۲۰ درجه بالای صفر میرسد. در فضا، رگهای خونی تغییر شکل میدهند، قلب ضعیف میشود و استخوانها ضعیف میشوند. مغز آسیب می بیند، مخصوصا قسمتی از مغز که حرکات بدن

را کنترل میکند. گاهی ما فکر میکنیم که خدا برای زمین زلزله ایجاد میکند تا که ساکنان آن را اذیت کند. اما اگر به خصوصیات زلزله های مریخ و ماه دقت کنید؛ متوجه میشوید که اگر زلزله های زمین کنترل نشوند، زمین قابل سکونت نخواهد بود. پارسال ناسا زلزله ای بیش از ۴ ریشتر در مریخ ثبت کرده است. این زلزله حدود یک ساعت و ۳۰ دقیقه طول کشیده است! اگر در زمین زلزله یک ساعت و نیم طول بکشد، دیگر نمیتوان روی زمین زندگی کرد. یک زلزله در زمین، نهایتش یک دقیقه طول میکشد. نکته جالب توجه در رابطه با زلزله‌هایی که در ماه رخ می‌دهند این است که مدت زمان وقوع آنها بسیار بیشتر از زمین است و در حالیکه اکثر زلزله‌های زمین کمتر از یک دقیقه طول می‌کشند، زلزله‌های ماه چند ساعت ادامه دارند!

در واقع خدا رحم زیادی به مردم ساکن زمین دارد. زلزله هایی که در زمین اتفاق می افتد، بعلت آنچه است که خود مردم با دستهای خود کسب و ایجاد کرده اند و باعث و بانی این زلزله ها خود مردم هستند. این قسمت از آیه (فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ**) نشان از این موضوع دارد. طبیعت زمین روال کار خودش را بطور معمولی انجام میدهد. زمانی که رودخانه خشک است؛ فردی داخل رودخانه برای خودش خانه میسازد؛ بهار که می آید آب زیاد میشود و خانه داخل رودخانه را آب می برد. این جزو خصوصیات زمین است. بشر بی توجهی های خویش را به عذاب خدا**

ربط میدهد. خدای رحمان و رحیم زلزله ها و حوادث زمین را ۹۹ درصد کنترل میکند و این بشر است که با طمع کاریهای خودش نمیداند چطوری در زمین زندگی کند. منابع طبیعی برای همه کس هست ولی زیاده خواهیهای بعضیها، دیگران را محروم نگه میدارد.

دانشمندان علم زمین شناسی وجود سد آتاتورک را بی تاثیر در زلزله اخیر ترکیه نمی دانند. زیرا این سد بسیار زیاده خواهانه است و همین زیاده خواهی زمینه ساز ایجاد زلزله بوده است.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿۳۰﴾

و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی گذرد (۳۰)

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۳۱﴾

و شما در زمین درمانده کننده [خدا] نیستید و جز خدا شما را سرپرست و یاوری نیست (۳۱)

اما پس از وقوع، خدا دخالت کرده و مدت زمان آن را بسیار کم میکند؛ که اگر مدت زمان وقوع زلزله در زمین کم نشود؛ بمدت یک ساعت و نیم زمین در همان ریشتر خواهد لرزید و در این شرایط جنبنده ای قادر

به زندگی روی زمین نیست. اما خدا همان مدت کم، زلزله را کنترل نمی کند تا مردم بدانند که با خود چه میکنند و کرده اند!

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۶۱﴾

[آیا شریکانی که می پندارند بهتر است] یا آن کس که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن کوه ها را [مانند لنگر] قرار داد و میان دو دریا برزخی گذاشت آیا معبودی با خداست [نه] بلکه بیشترشان نمی دانند (۶۱)

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴿۶۲﴾

یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد آیا معبودی با خداست چه کم پند می پذیرید (۶۲)

بعضی از عذاب ها که پیش می آید اختصاصی است. در این حالت خدا بوسیله فرشتگان عذاب خاصی را بر یک ملت نازل میکند. در این حالت فقط گناهکاران از بین میروند. اما موارد دیگری هست که خود مردم برای خود ایجاد می کنند مثلاً از زمین آنقدر آب بیرون می کشند تا که محیط زیست خویش را نابود می کنند و در نتیجه خودشان نتیجه کارهای خودشان را می بینند این نوع عذاب عمومی است و بیشتر زلزله

ها از این نوع است. خدای مهربان به مردم رحم کرده و این نوع عذاب ها را کنترل می کند. زلزله در مریخ یک ساعت و نیم طول میکشد اما در زمین یک دقیقه و یا شاید کمتر طول میکشد. اگر زلزله زمین مثل زلزله مریخ زمان زیادی طول بکشد؛ جنبنده ای روی زمین نمی ماند. ما تا به حال به اشتباه فکر میکردیم که خدا زلزله ها را ایجاد میکند برای عذاب مردم؛ در حالیکه بیشتر این عذابها را خود مردم برای خود ایجاد می کنند. مردم می‌توانند برای عذاب هایی که خود ایجاد میکنند مثل زلزله تمهیداتی برقرار کنند که کمتر خسارت ببینند. اما عذابهای اختصاصی را نمیشود پیش بینی کرد و نمیتوان جلوش را هم گرفت. به طور مثال قوم لوط و صالح؛ خدا برای آنها عذاب اختصاصی نازل کرد این نوع عذاب را نمی شود پیش بینی کرد با هیچ نوع تکنولوژی ای. قوم صالح در میان کوه ها برای خود خانه ایجاد کرده بودند و در دل سنگ ها مامن هایی برای خود ایجاد کرده بودند، اما عذاب های اختصاصی را با بناهای محکم نمیتوان جلوش را گرفت. دست خدا بالای همه دستهاست.

بیشتر مصیبتهایی که روی زمین اتفاق افتاده است، را خود بشر بانی اش بوده است. آب و هوای کره زمین، زمانی که هنوز انسان به زمین تبعید نشده بود؛ در مدت چند میلیارد سال گذشته دستخوش تحولات بزرگی شده است، از فوران‌های عظیم آتشفشانی در سراسر زمین گرفته تا عصر یخبندان و تغییرات چشمگیر در تابش‌های خورشیدی. با تمام این

احوال زمین هنوز پابرجاست. از زمانی هم که انسان وارد زمین شد؛ زمین تغییرات آنچنانی نکرده است که بشر نتواند روی آن زندگی کند. خدا شرایط را طوری نگهداشته است که بشر بتواند زندگی کند. این همان نکته ای است که بشر نمیخواهد بفهمد. برای مثال، گناهانی همچون کم فروشی و گران فروشی به مرور زمان باعث به هم خوردن تعادل اجتماعی و طبیعی خواهد شد و باعث اسراف و زیاده روی در منابع طبیعی میشود و به این طریق مردم برای خود زلزله ایجاد میکنند. ه همین دلیل ۹۹ درصد زلزله ها را خود مردم برای خود ایجاد میکنند. شرایط زندگی بشر خیلی فرق کرده است؛ بشر دارد به خودش کلک میزند. او در کوتاه مدت به دیگران کلک میزند ولی در دراز مدت به خودش و جامعه اش کلک میزند. نظم اجتماعی به هم ریخته است. این امر بمرور و یواش یواش واقع شده است که ما متوجه آن نیستیم. اگر یک نفر مُرده که پنجاه سال پیش مُرده است زنده شود، و بطور مثال قرقره نخ امروزی را به او نشان دهید، متوجه موضوع خواهد شد. شما یک قرقره قدیمی و قرقره جدید را مقایسه کنید که چطور خیلی زیرکانه از حجم نخ آن کم شده است . این اتفاق یک روزه اتفاق نیفتاده است؛ بلکه در طول زمان اتفاق افتاده است بطوری که برای ما به یک امر عادی تبدیل شده ست. دو نوع قرقره قدیمی و جدید را در شکل زیر مقایسه کنید.



همانطور که می بینید، قرقره سفید رنگ(قدیمی) ، چندین برابر قرقره سیاه رنگ (جدید) نخ میتواند داشته باشد. قرقره جدید کلا شده پلاستیک. این نوع فریبها در جامعه ما آنقدر زیاد شده است که کسی متوجه موضوع نیست. متاسفانه نسل جدید، روش مناسبی را برای زندگی انتخاب نکرده است.

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿۱۸۱﴾

پیمانه را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید (۱۸۱)

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿۱۸۲﴾

و با ترازوی درست بسنجید (۱۸۲)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۱۸۳﴾

و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد بر مدارید (۱۸۳)

یا روی بعضی از بسته بندی ها نوشته شده وزن ۸۵۰ گرم. ولی خریدار در ذهنش فکر میکند یک کیلوست. شما وقتی میخواهید مثلا نخود بخرید، میگویید یک کیلو یا دو کیلو نخود میخواهم. هیچ کسی به مغازه دار نمی گوید لطفا ۸۵۰ گرم نخود بدهید. اینها نوعی فریب است که بسیار سیستماتیک انجام میشود. این نوع فریب، یک نوع فریب ذهن است و مثل یک شعبده بازی است و در واقع این یک نوع جادوست. این قسمت از آیه(وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ) **به این موضوع اشاره دارد. ممکن است کسی بگوید که عدد ۸۵۰ گرم بصورت ریز روی بسته بندی نوشته شده است. این حرف به این معناست که به فردی کلک بزنید و بعد بگویید که خودش باید می فهمید کلک بوده است!**

یک نوع دسته بندی مواد غذایی رواج پیدا کرده است که از زیر ظرف بسته بندی، به درون فرورفته است و هدف از این کار این است که ظرف بزرگتر نمایش داده شود ولی محتوای آن کمتر باشد.



اینها فقط نمونه ست. از این نمونه ها بسیار زیاد است و میتوان هزاران نوع بر شمرد. بشر این جور کارها را کسب و کار و یا زیرکی خودش بحساب می آورد.

یا اینکه بعضی از مراکز آموزشی، با تبلیغات اغراق آمیز (مثلا: یادگیری زبان در چند ماه، صد در صد تضمینی!) افراد را جذب میکنند ولی بیشترش گزاف است. در حالی که افرادی هستند که دکترای زبان را گرفته اند ولی اینچنین مدعی یادگیری کامل زبان نیستند. نمونه بارز این دروغها؛ فروش قرصهای لاغری، قرصهای چاقی و قرصهای جوانی ... که در ظاهر شاید فرد را لاغر و یا چاق کنند ولی ضرر فوق العاده ای به سلامتی او میزنند. اینها نمونه کم فروشی و گران فروشی و ضرر فروشی است و همه اش یک نوع فریب در آنها نهفته است. یا اینکه جایزه بانکها که بیشترش اغراق و کلک است. خیلی از تخفیف ها یک

نوع فریب است و این را همه میدانند. اینها همگی یک نوع روانشناسی دروغ است که اسمش را گذاشته اند تجارت، کسب و کار و جذب مشتری!

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿۳۵﴾

و چون پیمانه می کنید پیمانه را تمام دهید و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش فرجام‌تر است (۳۵)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿۹۱﴾

پس زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه هایشان از پا درآمدند (۹۱)

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ ﴿۹۲﴾

کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند گویی خود در آن [دیار] سکونت نداشتند کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند خود همان زیانکاران بودند (۹۲)

فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿۹۳﴾

پس [شعیب] از ایشان روی برتافت و گفت ای قوم من به راستی که پیامهای پروردگارم را به شما رسانیدم و پندتان دادم دیگر چگونه بر گروهی که کافرند دریغ بخورم (۹۳)

در آیه دیگری خدا می فرماید ویل للمطففین. یعنی وای بر کم فروشان. تابحال مطففین را به معنای کم فروش معنا کرده اند ولی معنای آن

بسیار گسترده تر است. مطففین یعنی کسانی که منافع را به سمت خود می کشانند. مثلا شما می روید پیش میوه فروش؛ خودت میوه را انتخاب می کنید و بهترین ها را انتخاب می کنید ولی میوه فروش هم از ترس اینکه میوه های با کیفیت کمتر روی دستش نماند، همزمان با تو میوه را برایت انتخاب می کند. هر دو تلاش میکنند یکی برای اینکه میوه های خوب را انتخاب کند و دیگری برای اینکه میوه های با کیفیت کمتر روی دستش نماند. به این طریق این دو گروه هر دو پیمانه را به سمت خود می کشانند. بنابراین مطففین فقط مخصوص فروشنده ها نیست بلکه مخصوص مشتری هم هست. خدا خیلی دقیق کلمات را بیان میدارد.

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ ﴿۱﴾
وای بر کمفروشان (۱)

الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿۲﴾
که چون از مردم پیمانه ستانند تمام ستانند (۲)

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿۳﴾
و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند به ایشان کم دهند (۳)

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿۴﴾
مگر آنان گمان نمی دارند که برانگیخته خواهند شد (۴)

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾
[در] روزی بزرگ (۵)

خدای مهربان در آیه ۷:۹۱ می فرماید:

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٩١﴾
پس زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه هایشان از پا درآمدند (۹۱)

این آیه در مورد قوم شعیب است که کم فروش و یا گران فروش بودند و البته در مورد زمانه هم میتواند صادق باشد. باید توجه کنیم که کسی که بوسیله اتومبیلش مزاحم دیگران میشود، این مشکل او یک روزه و دو روزه بوجود نیامده است. یا ملتی که منابع طبیعیشان اعم از آب و غیره را بدون محدودیت مصرف میکنند، در یک حالت خاصی به سر می برند که یک روزه دو روزه بوجود نیامده است. بلکه این حالات طی سالها بمرور در آن ملت ریشه دوانده است. گرانفروشی و کم فروشی و هر گناه دیگری حالات روحی خاصی در افراد بوجود میاورد که در نهایت منجر به استفاده بیش از حد از منابع طبیعی خواهد شد. هر گونه کلکی که در جامعه اتفاق می افتد، حالت خاصی را در بین طرفین ایجاد میکند که باعث ایجاد نا امنی در روابط اجتماعی میشود. مثلا شما سالها

از یک موسسه خرید میکنید ولی بعد از مدتی، اجناس او گران و بی کیفیت میشود و در مقابل آن هم هیچ مسئولیتی قبول نمی کند. به این طریق روابط دو طرفه شما به هم می خورد. شما دیگر محتاطانه تر برخورد می کنید و دیگر به هر کسی اعتماد نمی کنید و در نتیجه افراد از همدیگر دور میشوند و برای تامین امنیت خودشان سعی میکنند که بیشتر منابع طبیعی را هزینه کنند و مدام جمع کنند. یک بچه به پدر و مادرش اعتماد دارد و به همین خاطر اصلا نگران فردایش نیست. زیرا روابط درستی بین بچه و والدین در این مورد برقرار است.

اما در روابط ناسالم مردم فکر میکنند که تنها راه حل تامین امنیتشان، تبدیل هر چه بیشتر منابع زمین به پول است. گرانی، فریب، هر گونه غل و غش در معاملات بصورت دومینویی در جریانات تاثیر دارد. یک نظریه هست به اسم اثر پروانه ای (لینک). اثر پروانه‌ای نام پدیده‌ای است که به دلیل حساسیت سیستم‌های آشوب‌ناک به شرایط اولیه ایجاد می‌شود. این پدیده به این اشاره می‌کند که تغییری کوچک در یک سیستم آشوب‌ناک چون جو سیاره زمین (مانند بال‌زدن پروانه) می‌تواند باعث تغییرات شدید (وقوع طوفان در کشوری دیگر) در آینده شود. اثر پروانه‌ای به این معناست که تغییر جزئی در شرایط اولیه می‌تواند به نتایج وسیع و پیش‌بینی نشده در سیستم منجر گردد و این سنگ بنای تئوری آشوب و بی نظمی است. در نظریه آشوب یا بی‌نظمی اعتقاد

بر آن است که در تمامی پدیده‌ها، نقاطی وجود دارند که تغییری اندک در آن‌ها باعث تغییرات عظیم خواهد شد و در این رابطه سیستم‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سازمانی، همچون سیستم‌های جوی از اثر پروانه‌ای برخوردارند. هر گونه کم فروشی و گران فروشی باعث اثرات پروانه ای در جامعه خواهند شد و باعث اسراف و زیاده روی خواهند شد. بطور مثال ، گرانفروشی و یا کیفیت نامناسب مصالح ساختمانی باعث میشود که مردم ساختمانها را سست درست کنند و در مقابل زلزله مقاومت لازم را ندارد.

بسم الله الرحمن الرحیم
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿۱﴾
آنگاه که زمین به لرزش [طبیعی] خود لرزانیده شود
وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿۲﴾
و زمین بارهای خود را برون افکند
وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿۳﴾
و انسان گوید [زمین] را چه شده است
يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿۴﴾
آن روز است که [زمین[خبرهای خود را باز گوید
بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا ﴿۵﴾
[همان گونه] که پروردگارت بدان وحی کرده است
يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿۶﴾

آن روز مردم [به حال] پراکنده برآیند تا]نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود
فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾
پس هر که هموزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید
وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾
و هر که هموزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید

این سوره در مورد زلزله قیامت صحبت میکند ولی در مورد زلزله های قبل از آن روز هم صادق است. در زمانهای قدیم ضررات ناشی از زلزله ها بسیار کم بود و خیلی کمتر اتفاق می افتاد ولی اکنون زلزله ها زیاد شده است و زیادتر هم خواهد شد. ما تا به روز قیامت نزدیکتر شویم، زلزله ها شدتش و تعدادش بیشتر خواهد شد. طوریکه نزدیکیهای قیامت، شاید هر ماه یک زلزله قوی ظاهر شود و بشر هم مجبور است که محیط زندگی خویش را بر اساس آن وفق دهد و تمهیدات لازم را برای بقای خود بکار برد. این خاصیت طبیعی کره زمین است که در مقابل تغییرات زیاد و مسرفانه واکنش نشان میدهد و اگر بشر در مصرف منابع طبیعی صرفه جوئی نکند و بخواهد این منابع را به پول تبدیل کند؛ محیط زندگی خویش را ناامن میکند.

براساس آیه دوم، زلزله بارها و نتایجی را بوجود می آورد. این بارها شاید نتایج مفید و شاید نتایج مضری باشند که براساس عملکرد آن

جامعه خواهد بود. وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿۲﴾ و زمین بونها و بارهای خود را برون افکند. **در حین آمدن زلزله، انسان به هم می ریزد و از آمدن زلزله تعجب می کند در حالیکه خودش در بروز آن مقصر است.** وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿۳﴾ و انسان گوید [زمین] را چه شده است **بعد از آمدن زلزله، ماهیت افراد و جامعه روشن میشود و همه چیز آشکار می گردد و به همین خاطر خدا می فرماید که آن روز است که [زمین] خبرهای خود را باز گوید.** يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿۴﴾ آن روز است که زمین خبرهای خود را باز گوید **مدیریت بحران ، نیروها، طریقه گفتار مسئولین مملکتی، طریقه رفتار آنان با حادثه زلزله و مردم آسیب دیده، همگی نشان از ماهیت وجودی آنان دارد. آنان بدون آنکه خود بفهمند، ماهیت خود را به نمایش می گذارند و در دام می افتند. این وعده خداست که در سوره آمده است. انسان در مواقع حساس مثل وقوع زلزله، ماهیت خود را نشان می دهد. مردم و مسئولین نتایج اعمال خود را در آن روز می بینند. اگر پیمانکاران و مسئولین ساختمانهای سست بنیاد و خانه های نامستحکم درست کرده اند، دلیلش رشوه و تبانی و ظلم و ستم و فساد در بین مسئولین و مردم است و آنان در این کار، خیر و شر کارهای خود را می بینند. شاید در یک زلزله اینچنینی ۹۵ درصد تلفات بخاطر زیرساختها و ساختمانهای نامستحکم است و این چیزی نیست جز آن که بدست خود این دولتها و ملتها درست شده است و آنان شر و خیر کارهای خود را می بینند و دستاورد و اعمال خود**

را می چشند. خدا به هیچ ملتی ذره ای ظلم نخواهد کرد. خدا عادلترین است. يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿۶﴾ آن روز مردم [به حال] پراکنده برآیند تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود. **مردم در زلزله خیر و شر خود را می بینند. گاها زلزله اثرات مضر و یا مفیدی هم برای آن جامعه در آینده دارد. خدا از طریق زلزله تغییرات اقلیمی در آن مناطق بوجود می آورد و ممکن است که این تغییرات بد و یا خوب باشند. در سال ۱۹۹۴ در مغولستان زلزله ای اتفاق افتاد که این زلزله سبب شد دشت خشک مغولستان صاحب تغییر سفره های آب زیر زمینی و جهت مسیر در زیر گسل شود و عمق دست یابی به ۷ متر کاهش یابد. و به این طریق مردم آن منطقه بعد از زلزله از دست آن دشت خشک خلاص شدند. اینها از جانب خداست. خدا خیر و شر هر امتی را بعد از زلزله مشخص کرده است و می کند. در سال ۱۹۹۵ در کشور چاد زلزله ای اتفاق افتاد که این زلزله سبب شد هجوم ۳۸ میلیون ملخ در صحرای افریقا و تخریب هکتارها زمین کشاورزی در شمال افریقا پایان یابد با این زلزله ملخ ها با امواج فراصوتی زمینگیر شدند و قادر به پرواز نبودند و به سبب گرسنگی هم‌خواری کرده و کلا از زبین رفتند. زلزله اثرات مضری هم بر جای می گذارد. در خیلی از موارد شهرهای دست بشر نابود شده اند و با خاک یکسان شده اند.** فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿۷﴾ پس هر که هموزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿۸﴾ و هر که هموزن ذره ای

بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. **زلزله هشداری است از طرف خدای قادر توانا به مردم تا که به خود آیند و تغییری در خود بوجود آورند. اگر امیدی به تغییر یک جامعه نباشد، در آنصورت خدا زلزله های طبیعی زمین را بمدت کمی اجازه وقوع میدهد تا زمینه تغییرات لازمه را فراهم کند. خدا در ایجاد زلزله ها ، رحیم ترین و عادلترین است. او ذره ای به مردم ظلم نخواهد کرد. او به نسل باقیمانده از زلزله فرصت محدود دیگری اعطا می کند تا که بخود آیند و تغییری در سرنوشت خود بوجود آورند. همانطور که می بینید، بیشتر آسیبهای زلزله به ساخته های خود انسانها بر می گردد. یعنی زلزله نتایج خیر و شر اعمال آن جامعه است. در ژاپن زلزله های بزرگتر از زلزله های ترکیه و ایران می آید و ضرری به مردم نمی زند و گاها فواید هم دارد. مثلا یکی از زلزله ها در ژاپن در سال ۱۹۹۰، سبب شد جزیره فکودیمو ژاپن ظاهر و یکی از آب های گرم اقیانوسی بسمت جزایر آمد و رونق بسیار ماهیگیری راسبب شد. یعنی در یک زلزله در ژاپن، یک جزیره به جزایر آنان اضافه شد.**

اثرات دومینویی و پروانه ای گرانی و کم فروشی ، بمرور باعث ایجاد عدم تعادل در استفاده از منابع زیر زمینی خواهد شد و زمین براساس طبیعت خود، برای دفاع از خود، لرزش ایجاد میکند. حتی سونامی و سیل و سایر بلایا هم بخاطر همین مورد است.

شعیب در این مورد به شهر مدین هشدار داد. بیایید شهر مدین که در قرآن آمده است را از نظر ریاضی بررسی کنیم. اگر حروف ابجد مدین (۱۰۴) و تهران (۶۵۶) را با هم جمع کنیم.

۴۰*۱۹ = ۷۶۰ = ۱۰۴+۶۵۶

این رابطه ضریب نوزده است. شهر و یا قومی که شعیب به آنان هشدار داد با دو اسم مختلف ذکر شده اند. یکی مدین و دیگری الایکه. از نظر تاریخی شاید اینها دو قوم مختلف بوده اند و یا اینکه اولی اسم شهر و دیگری اسم یک قوم خاص است. اگر الایکه (۶۷) را با مدین (۱۰۴) هم جمع کنیم؛ باز ضریب نوزده خواهد بود.

۹*۱۹ = ۱۷۱=۱۰۴+۶۷

مقدار ابجد شعیب (۳۸۲) و الایکه (۶۷) و اسم من به عنوان اخطار دهنده این موضوع (اسعد حسینی) (۲۷۳) را با هم جمع می کنیم.

۲ *۱۹*۱۹ = ۷۲۲ = ۲۷۳+۶۷+۳۸۲

این رابطه دوبار ضریب نوزده است و نشان از اهمیت هشدار میدهد. حالا بیایید الایکه را با تهران عوض کنیم. مقدار ابجد شعیب (۳۸۲) و تهران (۶۵۶) و اسم من به عنوان اخطار دهنده این موضوع اسعد حسینی (۲۷۳) را با هم جمع می کنیم.

۳۸۲+۶۵۶+۲۷۳ = ۱۳۱۱= ۱۹*۶۹

هیچکدام از این روابط تصادفی نیستند و قطعا هشدار مهمی است. آیه ۷:۹۱ در مورد عذاب قوم شعیب صحبت میکند. حالا کد این آیه که بصورت ۷۹۱ نوشته میشود را با اسم من (۲۷۳) جمع میکنیم.

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٩١﴾

پس زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه هایشان از پا درآمدند (۹۱)

۷۹۱+۲۷۳ = ۱۰۶۴ = ۱۹*۵۶

باز هم ضریب نوزده است. شاید عدد ۷۹۱ به ریشتر ۷,۹ اشاره دارد.

این هشدار توسط اسعد حسینی (۲۷۳) مدین فعلی یعنی تهران (۶۵۶) براساس آیه ۷۹:۱ گفته شده است. این رابطه را بصورت ریاضی بنویسیم.

۱۴۴۰۲۹۸۹ * ۱۹ =۲۷۳۶۵۶۷۹۱

باز هم ضریب نوزده است. خطر زلزله فقط برای تهران نیست و بلکه برای کل ایران (۲۶۲) است. سوره زلزله ۹۹ اُمین سوره است.

۱۹*۱۹= ۳۶۱ = ۹۹+۲۶۲

در زلزله مردم ، نتایج کارها و اعمال خویش را می بینند و من خودم شخصا دوست ندارم که چنین اتفاقی بیفتد ولی زمین خاصیت خودش را دارد و ما نمی توانیم آن را کنترل کنیم. فقط خدا خودش میتواند کنترلش کند. بنابراین تنها راه، برگشت به سمت خداست و تنها راه این است که خاضعانه و خاشعانه از درگاه خدای متعال بخواهیم تا زمین را کنترل کند و نگذارد زلزله های طبیعی زمین، زندگی مردم را به هم

ریزد و به آنان آسیب برساند. اینها که گفتم شعبده بازی و بازی ریاضی نیست و یک پیام واقعی است.

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ ﴿۸۴﴾

و به سوی [اهل] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید برای شما جز او معبودی نیست و پیمانه و ترازو را کم مکنید به راستی شما را در نعمت می بینم و[لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم (۸۴)

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۸۵﴾

و ای قوم من پیمانه و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید (۸۵)

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿۸۶﴾

اگر مؤمن باشید باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم (۸۶)

در این آیه، بَقِيَّتُ اللَّهِ به معنای این است که هر آنچه که خدا در یک معامله و یا کار برای ما باقی می گذارد، خیر و برکت در همان است. تلاش بیهوده و حرص و ولع و احتکار برای اضافه گرفتن مذموم شمرده شده است. پیامبر شعیب در این آیه، مردمش را توصیه میکند که ای

مردم به همان چیزی که خدا نصیبتان میکند راضی باشید و دنبال کم کردن ها و اضافه کردن ها نباشید.